



The Elements of Sociability (Method, Content, and Factors) of Hijab in the Social System of the Quran

Fazel Hesami¹ Mohammad Yasin Basirat²

Received: 06/07/2019

Accepted: 13/05/2020

Abstract

The sociability of the hijab in the Islamic society as a belief, value and cultural norm in the social system of the Qur'an is a new look at the phenomenon of hijab. This paper has dealt with the elements of sociability of hijab. The research method is qualitative, library documentation and thematic interpretation. In the method of sociability of hijab, by using the method of modeling from the reference group, the Ahlulbait of the Prophet (pbuh) has been introduced as the reference group. In the content of sociability of hijab, the Qur'anic culture of hijab has been the focus of discussion in belief, value, and norm. In the sociability, the elements such as family, group of friends, education, and mass media have been considered; also, some of the verses of the Qur'an, which were directly related to hijab or all the verses of the Qur'an, which included hijab, have been analyzed. The verses of the Qur'an have been described and analyzed using interpretive and sociological methods. The finding indicated that the sociability of hijab has special teachings in analyzing social system based on the monotheistic system of the Qur'an in elements of sociability (method, content and factors).

Keywords

Sociability, social system, the Qur'an, hijab and culture.

-
1. Member of the department of social studies, the Higher Educational Complex for Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. fazelhesami@gmail.com
 2. Ph. D. candidate in the Qur'an and social sciences, the Higher Educational Complex for Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Author in charge). asinbasirat@gmail.com

Hesami, F.; Basirat, M. Y. (2020). The Elements of Sociability (Method, Content, and Factors) of Hijab in the Social System of the Quran. *The Quarterly Journal of Islam and Social Studies*, 7(28), pp. 96-118.

Doi: 10.22081/jiss.2020.68815



عناصر جامعه‌پذیری (روش، محتوا و عوامل) حجاب در نظام اجتماعی قرآن

محمدیاسین بصیرت^۲

فاضل حسامی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۵

چکیده

جامعه‌پذیری حجاب در جامعه اسلامی، به عنوان باور، ارزش و هنجار فرهنگی در نظام اجتماعی قرآن؛ نگاه جدید به پدیده حجاب است. در این مقاله که روش تحقیق آن کیفی، اسناد کتابخانه‌ای و تفسیر موضوعی می‌باشد، به عناصر جامعه‌پذیری حجاب پرداخته شده است. در روش جامعه‌پذیری حجاب، با بهره‌گیری از روش الگوگیری از گروه مرجع، اهل بیت پیامبر ۹ به عنوان گروه مرجع، معرفی شده است؛ محور بحث در محتوای جامعه‌پذیری حجاب، فرهنگ قرآنی حجاب در باور، ارزش و هنجار، می‌باشد. به عوامل جامعه‌پذیری مانند، خانواده، گروه دوستان، آموزش و پرورش، و رسانه‌های جمعی اشاره شده و مواردی از آیات قرآن که به گونه‌ای مستقیم و یا از عموم آیات با بحث حجاب مرتبط بوده استفاده و تحلیل شده‌اند؛ این آیات با استفاده از روش تفسیری و جامعه‌شناسی، توصیف و تحلیل شده‌اند؛ نتیجه این تحقیق اینکه، جامعه‌پذیری حجاب در تحلیل از نظام اجتماعی مبتنی بر نظام توحیدی قرآن در عناصر جامعه‌پذیری (روش، محتوا و عوامل) آموزه‌های ویژه‌ای دارد.

کلیدواژه‌ها

جامعه‌پذیری، نظام اجتماعی، قرآن، حجاب و فرهنگ.

۱. عضو گروه مطالعات اجتماعی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعة المصطفی ۹ العالمیه، قم، ایران. fazel hesami@gmail.com
۲. دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم اجتماعی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعة المصطفی ۹ العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول) m.iasinbasirat@gmail.com

حسامی، فاضل؛ بصیرت، محمدیاسین. (۱۳۹۹). عناصر جامعه‌پذیری (روش، محتوا و عوامل) حجاب در نظام اجتماعی قرآن. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۷(۲۸)، صص ۹۶-۱۱۸.
Doi: 10.22081/jiss.2020.68815

مقدمه

انسان‌ها در رفتار خود، براساس آنچه در علوم اجتماعی طرح شده، از الگو پیروی می‌کنند. الگوهای کنش‌های انسانی که همگی آگاهانه و اختیاری و معنادارند، در فرایند جامعه‌پذیری و مطابق فرهنگ حاکم بر جامعه به اعضای آن منتقل می‌شوند و اعضا نیز در فرایندی ضمن یادگیری آنان، بدان الگوها ملتزم می‌شوند. یکی از این الگوها، قواعد پوشش است و در فرهنگ اسلامی حجاب نوعی پوشش است. برای آنکه این شکل خاص از پوشش، در کنشگران نهادینه شود، باید فرایند اجتماعی کردن در مورد آن در چارچوب الگوهای پذیرفته شده باشد؛ بنابراین ضرورت فرایند جامعه‌پذیری حجاب با الگوگیری، به‌خوبی آشکار می‌گردد.

قواعد حجاب همانند هر قاعده کنشی، متأثر از فرایند جامعه‌پذیری است. این که منبع و محتوای اصلی در فرایند جامعه‌پذیری چه باشد، سرنوشت جامعه را جهت می‌دهد. در اندیشه اسلامی، قرآن کریم به‌عنوان اصلی‌ترین منبع اجتماعی کردن است. وقتی رعایت حجاب بانوان، یکی از قواعد حاکم بر تعامل اجتماعی آنان و نیز مؤثر بر تنظیم فاصله اجتماعی با کنشگران ناهمجنس و نامحرم است، ضرورت تحلیل جامعه‌پذیری حجاب در نظام اجتماعی قرآن، بیش از پیش روشن می‌گردد؛ بنابراین جامعه‌پذیری حجاب در باور، ارزش و هنجار فرهنگ قرآنی، می‌تواند در شناخت، اصلاح و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر تأثیر فراوانی داشته باشد؛ در نتیجه جامعه‌پذیری حجاب در نظام اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این راستا، عناصر جامعه‌پذیری (روش، محتوا و عوامل) حجاب در نظام اجتماعی قرآن، بررسی شد. روش جامعه‌پذیری حجاب با الگوگیری از گروه مرجع قرآنی (اهل بیت پیامبر ۹) و محتوا، فرهنگ قرآنی حجاب در قالب باور، ارزش و هنجار است. در برخی عوامل جامعه‌پذیری حجاب مانند خانواده، آیات حجاب وجود دارند که تحلیل شده‌اند؛ اما در عواملی چون رسانه‌ها، گروه دوستان و آموزش و پرورش از عموم آیات استفاده شده است که شامل حجاب نیز می‌شود و جامعه‌پذیری حجاب از مصادیق این آیات قرآنی در نظر گرفته شده و تحلیل اجتماعی شده‌اند. در مدل تحلیل، از چارچوب مفهومی بهره گرفته شده است.

۱. چارچوب مفهومی

۱-۱. حجاب

مفهوم حجاب در لغت به معنای منع از رسیدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۹) و به معنای پوشش است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۹۸). حجاب در معنای فقهی، در بحث کتاب الصلوة و کتاب النکاح رواج دارد واژه «ستر و ساتر» به معنای «پوشش و وسیله پوشش زن در مقابل نامحرمان» است. «مستورات» به معنای زنانی هستند که دارای پوشش و سترند (احسانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۷۲). به نظر می‌رسد بهترین واژه برای رساندن مفهوم حجاب همین واژه «ستر» باشد. به تعبیر شهید مطهری، در اصطلاح فقه و فقهای قدیمی بیشتر از واژه ستر استفاده شده است (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۴۳۰). حجاب مد نظر، به معنای پوشش اسلامی بانوان است که دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود. بدون این دو بُعد نمی‌توان گفت حجاب اسلامی محقق شده است.

۲-۱. نظام و نظام اجتماعی

مفهوم نظام، برگرفته از ریشه نظم و به معنای مجموعه‌ای منسجم است که اجزای آن دارای ارتباطی وثیق با یکدیگرند و جامعه به دلیل مناسبات یا بستگی‌ها و روابط متقابل اجتماعی بین سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که نظام نام گرفته است (آگبرن و مایر، ۱۳۵۷، ص ۲۶۳). این مفهوم از مفاهیم اساسی در نظریات کارکردی و ساختی-کارکردی است. نظام اجتماعی، کشگر را کنترل می‌کند و فرهنگ در کنترل اجتماعی اهمیت خاص دارد (روشه، ۱۳۷۶، ص ۲۲۰؛ ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۱۳۸)؛ بنابر این تحلیل، الگوهای فرهنگی در نظام اجتماعی مهم هستند که با درونی کردن آنها، نظام اجتماعی تداوم می‌یابد و با نظارت اجتماعی توازن نظام اجتماعی حفظ می‌شود (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۱۳۸).

نظام اجتماعی مورد نظر قرآن، نشئت گرفته از فرهنگ قرآنی است. در این نظام اجتماعی، حرکت، تلاش و کوشش افراد، در مسیر سعادت و کمال حقیقی آنان است.

کنشگران در این نظام اجتماعی مرتبط با خدای متعال اند و به وجود و وحدت آفریننده جهان هستی ایمان دارند و همه الگوهای رفتاری با توجه به روابط الهی انجام می‌گیرد. شهید صدر نظام اجتماعی مورد نظر قرآن را در روابط چهارگانه انسان بیان می‌کند: رابطه انسان با خودش، با طبیعت، با دیگر انسان‌ها و با خدا. رابطه انسان با خدا رابطه‌ای برآمده از استخلاف او است که در تمامی روابط سه‌گانه دیگر حلول می‌کند (صدر، ۱۳۸۱، صص ۱۳۳-۱۳۵). به تعبیر شهید صدر، اگر نظام اجتماعی از بعد چهارم، یعنی بعد «الله» تهی شود، ساختمان اجتماعی به صورت دیگری عرضه می‌گردد (صدر، ۱۳۸۱، صص ۱۳۶).

۱-۳. جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن شیوه‌های فرهنگی به کودک ناتوان منتقل می‌شود و به تدریج مطابق فرهنگی که در آن متولد شده، به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده تبدیل می‌شود. انتقال الگوهای فرهنگی و حفظ آنها در فرایند جامعه‌پذیری، نسل‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۵، صص ۸۶). در تحلیل جامعه‌شناسان، افراد در تعاملات نظام اجتماعی، جامعه‌پذیر می‌شوند و جایگاه فرهنگ در این تعامل مهم است (گیدنز، ۱۳۸۵، صص ۱۱۴؛ رابرتسون، ۱۳۷۷، صص ۱۲۱؛ برگر و لوکمان، ۱۳۸۷، صص ۱۷۷؛ اسمیت، ۱۳۸۳، صص ۵۰). می‌توان از این تحلیل‌ها مفهوم‌گیری کرد و مبنای جامعه‌پذیری حجاب در نظام اجتماعی قرآن را مفهومی در نظر گرفت، با این توضیح که جامعه‌پذیری حجاب در نظام اجتماعی قرآن، با فرهنگ قرآنی در ارتباط است؛ مفهومی که با مؤلفه‌های باور، ارزش و هنجار فرهنگی در نظام اجتماعی قرآن تحلیل می‌شود. این مفهوم را می‌توان بازسازی کرد که با روش الگوگیری از گروه مرجع و محتوای لازم در باور، ارزش و هنجار، تشویق و توییح دینی داشته باشد، بدان گونه که منطبق با کلیت آموزه‌های قرآنی باشد؛ بنابراین نظامی اجتماعی، مفهومی است که همه اجزا و عناصر آن با یکدیگر همخوانی دارند و پیروان و کنشگران را به سوی یک نظام فرهنگی مطلوب رهنمون می‌کنند؛ بنابراین مفهوم جامعه‌پذیری حجاب در نظام اجتماعی قرآن را می‌توان به این معنا در نظر گرفت که حاکی از جامعه‌پذیری حجاب

در سطح باور، ارزش و هنجار در فرهنگ قرآنی است. در این فرایند، شیوه زندگی با در نظر داشت حجاب و چگونگی آن در موقعیت‌های متفاوت یادگیری می‌شود. برای این منظور، در تحلیل جامعه‌پذیری حجاب، به سه عنصر جامعه‌پذیری (روش، محتوی و عوامل) می‌پردازیم.

۲. روش جامعه‌پذیر کردن حجاب

روش‌های جامعه‌پذیری، در دو قالب «آشکار» و «پنهان» جای می‌گیرند. در روش آشکار جامعه‌پذیری به‌طور رسمی و مستقیم انجام می‌شود. وادار کردن به تقلید، تلقین و آموزش، نمونه بارز این روش است. اجتماعی کردن در روش پنهان، غیرمستقیم است. قراردادن افراد در زمینه‌ها و شرایطی که وارد روابط متقابل یا تأثیرپذیری از گروه مرجع یا آموخته‌های تصادفی از موارد روش پنهان در اجتماعی کردن است (ریترز، ۱۳۷۴، ص ۱۴۷؛ رابرت‌سون، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵). از میان این روش‌ها، به روش تأثیرپذیری از گروه مرجع در روش پنهان، در جامعه‌پذیری حجاب در نظام اجتماعی قرآن، پرداخته می‌شود.

۳. روش تأثیرپذیری از گروه مرجع

در جامعه‌شناسی برای مفهوم گروه مرجع سه کاربرد بیان شده است: ۱. گروهی که به‌عنوان مبنای مقایسه و ارزیابی قرار می‌گیرد؛ ۲. گروهی که افراد میل به عضویت و مشارکت در آن دارند؛ ۳. گروهی که رویکردهای آن مورد پذیرش کنشگران قرار می‌گیرد (صدیق سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹). تأثیرپذیری از گروه مرجع در کاربرد سوم، یکی از روش‌ها در جامعه‌پذیری است. گروه مرجع، الگوبخش در نظام اجتماعی است. برای جامعه‌پذیری حجاب با الگوگیری از گروه مرجع در نظام اجتماعی قرآن، می‌توان انسان‌ها را به الگوهای برتر توجه داد. تأثیر الگوها در ساخته شدن فرد و جامعه در نظام اجتماعی، بر کسی پوشیده نیست و هر نظام اجتماعی می‌تواند برای ایجاد حجاب در زندگی به این الگوها، توجه ویژه داشته باشد. گروه مرجع در جامعه‌پذیری حجاب در نظام اجتماعی قرآن، اهل بیت پیامبر ﷺ هستند. خداوند در آخر آیه‌ای که

حجاب را بیان می‌کند می‌فرماید: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل‌بیت 7 دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» (احزاب، ۳۳). این آیه را می‌توان مفهوم‌گیری کرد و چنین تحلیل کرد که جامعه‌پذیری حجاب در اهل‌بیت پیامبر 9 به بهترین صورت ممکن انجام شده است. و این به این معنا است که برای جامعه‌پذیر کردن حجاب در فرزندان، اهل‌بیت پیامبر 9 را الگو قرار دهند. الگوگیری از اهل‌بیت پیامبر 9 در روایات ذکر شده است؛ از جمله امام علی 7 می‌فرماید: اهل‌بیت پیامبر 9 زمامداران حق و یقین‌اند، پیشوایان دین و زبان‌هانی راستی و راستگویان‌اند؛ پس در بهترین منازل قرآن جایشان دهید و همانند تشنگانی که به سوی آب شتابانند، به سویشان هجوم ببرید (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). در زیارت جامعه کبیره نیز اهل‌بیت پیامبر 9 به‌عنوان الگو چنین معرفی شده‌اند اهل‌بیت پیامبر 9، جایگاه رسالت و گنجینه‌داران دانش و اصول کرم و بزرگواری ... پیشوایان هدایت و چراغ‌های تاریکی و نشانه‌های پرهیزکاری‌اند... پس آن‌که از شما (اهل‌بیت) رو گرداند، از دین خارج گشت و آن‌که ملازم شما (اهل‌بیت) بود، به حق رسید و آن‌که کوتاهی کرد در حق شما (اهل‌بیت) نابود گردید (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷۲). افراد در جامعه‌پذیری نیاز به الگو دارند. هر اندازه الگوی گروه مرجع از اصالت کمال‌بخش و جامعیت اساسی برخوردار باشد، تأثیرگذاری بیشتر بر افراد دارد. اهل‌بیت پیامبر 9 به‌عنوان الگوی گروه مرجع است به لحاظ که افراد در جامعه‌پذیری کمال‌نهایی را در شناخت و عمل به حجاب را در آنان جستجو کنند و آثار اجتماعی حجاب در پاکیزه‌گی جامعه را مد نظر داشته باشند و مطابق با آن الگو، جامعه‌پذیری حجاب را جهت‌گیری کنند.

۴. محتوای جامعه‌پذیری حجاب در فرهنگ (باور، ارزش و هنجار) قرآنی

در علوم اجتماعی، هسته اصلی فرهنگ شامل عقاید سنتی (یعنی نشئت‌گرفته و انتخاب‌شده در سیر تاریخ) و به‌خصوص ارزش‌های وابسته به آنها است. جنبه فرهنگی عالم فوق جسمانی شامل معانی، ارزش‌ها، هنجارها، برهم‌کنش و مناسبات آنها، گروه‌های به‌هم‌پیوسته و نا به‌هم‌پیوسته آنها است (گولد، ۱۳۸۴، ص ۶۲۹). مطابق با این مفهوم

فرهنگ، بخشی از عناصر فرهنگ شامل، باورها، ارزش‌ها و هنجارها است. این اجزا، اهرم قدرتمندی‌اند که می‌توانند با برنامه نظام‌مند، کنش‌ها و پیامدهای آن را در جامعه تنظیم کنند. جامعه‌پذیری حجاب براساس فرهنگ قرآنی، می‌تواند تحریک‌کننده انگیزه برای ایجاد کنش شود و این امر می‌تواند، نظم در نظام اجتماعی را پایه‌ریزی کند. این پتانسیل‌های دینی در قرآن، برای جامعه‌پذیری، به‌عنوان یک منظومه فرهنگی، وجود دارد و این در راستای رسیدن به جامعه سالم است. جامعه‌پذیری حجاب در راستای تبلور سلامت جامعه در اجرایی کردن فرهنگ شناختی باورها، ارزش‌ها و هنجارها در عمل است و این هماهنگی با فطرت انسان‌ها است. این هماهنگی، مطابق با تکامل، سازگاری با طبیعت، ساختار آفرینش افراد و برآوردن نیازهای طبیعی آنان شرط لاینفک برتری و کارآیی یک آیین است؛ زیرا در غیر این صورت به تعالیم آن عمل نمی‌شود و آن آیین نقش و جایگاه خود را در راستای رساندن جامعه به سعادت و خوشبختی از دست می‌دهد. آموزه‌های قرآن در حجاب به دلیل انطباق با فطرت و سرشت الهی اعضای جامعه، به هر نژاد، فرقه و طبقه‌ای عرضه شود، آن را همساز با ندای درونی خود می‌یابد و به راحتی پذیرای آن می‌شود؛ البته به شرط آنکه از عقلانیت سلیم و فطرت پاک برخوردار باشد.

۵. باور فرهنگی به حجاب در جامعه‌پذیری

باورها بنیان عناصر هر فرهنگ را تشکیل می‌دهند. «باورهای فرهنگی ایده‌هایی هستند که گروه‌ها از آنها الهام می‌گیرند و از طریق آنها هدایت می‌شوند. این همان چیزی است که با نام «انگاره‌ساختی» از آن یاد می‌شود. هر فرهنگی دارای یک بعد انگاره‌ساختی قابل شناخت است» (یونسکو، ۱۳۷۹، ص ۲۸۸). باورهای فرهنگی جایگاه مهمی در نظام اجتماعی دارند. به بیان باهنر نظام‌های اجتماعی بر باورها استوارند (باهنر، ۱۳۶۱، ص ۶). حجاب یکی از باورهای فرهنگی در نظام اجتماعی قرآن، براساس ایمان و پاکیزگی افراد در جامعه است (احزاب، ۳۳؛ نور، ۳۱). مفهوم‌گیری از این آیات با این تحلیل است که با جامعه‌پذیری حجاب، نظام اجتماعی پاک و سالم و به دور از جلوه‌های جاهلیت شکل

می‌گیرد و این در جامعه‌ای است که حجاب به‌عنوان باور فرهنگی با ظهور طهارت اجتماعی نهادینه شود. ارتباط جامعه‌پذیری حجاب با پاکیزگی جامعه، به این مفهوم است که افراد در جامعه باایمان، همواره خدا را مد نظر دارند و به حجاب باور دارند که حجاب مصونیت‌آور است؛ به همین جهت با الگو قرار دادن اهل‌بیت پیامبر ۹ جامعه‌پذیری حجاب عملیاتی می‌گردد. گرچه مخاطب آیه (احزاب، ۳۳) اهل‌بیت پیامبر ۹ است، می‌توان چنین تحلیل کرد که آیه در توصیه به حجاب برای عموم زنان مسلمان نیز به کار رفته است؛ با این استدلال که اگر اهل‌بیت پیامبر ۹ برای حفظ حرمتشان به رعایت حجاب توصیه شده‌اند، دیگر زنان مسلمان به طریق اولی باید حجاب اسلامی را داشته باشند. این تحلیل مطابق با تفسیر این آیه است: «شما (اهل‌بیت) به خاطر انتسابتان به پیامبر ۹ از یک سو و قرارگرفتن در کانون وحی و شنیدن آیات قرآن و تعلیمات اسلام از سوی دیگر دارای موقعیت خاصی هستید که می‌توانید سرمشقی برای همه زنان باشید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۹).

۶. حجاب به‌عنوان ارزش فرهنگی در جامعه‌پذیری

ارزش از عناصر مهم فرهنگ جامعه‌پذیری است. در تحلیل جامعه‌شناختی، ارزش‌ها با اعتقادات جامعه مرتبط‌اند و با نحوه عمل‌زندگانی اجتماعی نیز باید متناسب باشند (مندراس، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). حجاب از ارزش‌های فرهنگی و مرتبط با اعتقادات جامعه اسلامی است. جامعه‌پذیری حجاب در ارزش‌ها، ریشه در وحی دارد و از جانب خداوند متعال و بواسطه پیامبر اسلام حضرت محمد ۹ در اختیار بشر قرار داده شده است. این ارزش‌ها از جمله حجاب، اگر در نظام اجتماعی عملیاتی شوند، جامعه به سعادت حقیقی می‌رسد؛ بنابراین از کنشگران انتظار می‌رود به آن اهمیت ویژه بدهند. خداوند در قرآن کریم درباره حجاب می‌فرماید: «ای پیامبر به همسرانت و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو چادرهایشان را بر خود بپوشانند. این حجاب به اینکه به عفت و پاکدامنی شناخته شوند، نزدیک‌تر است و در نتیجه مورد آزار قرار نخواهند گرفت و خدا آمرزنده و مهربان است» (احزاب، ۵۹).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: حجاب برای این است که زنان شناخته شوند که اهل پوشش و درستکاری هستند و کسی آزارشان ندهد؛ زیرا فاسقان با تعرض آنان را آزار می‌دادند، و گفته می‌شود زنان شناخته شوند که مسلمان آزاد هستند و این معنا از این درست‌تر است که گفته شود شناخته شوند که زنان مسلمان آزاد هستند و کسی فکر نکند کنیز یا غیرمسلمان کتابی یا غیرکتابی هستند و به آنان تعرض نکند؛ اما معنای اول درست‌تر است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۶، ص ۳۴۰). با توجه به تفسیر آیه، می‌توان چنین تحلیل کرد که حجاب در افراد جامعه آرامش روانی ایجاد می‌کند و از فساد و انحرافات اجتماعی جلوگیری می‌کند. زنان با حفظ حجاب می‌توانند در محیط اجتماعی حضور داشته باشند و به کار و فعالیت اجتماعی بپردازند. مطابق با همین تفسیر، حجاب نوعی محافظ زنان در عفت جامعه است (خطیب، ۱۹۶۹م، ج ۲۲، صص ۷۵۱-۷۵۲). محمدجواد مغنیه نیز به همین شکل می‌گوید: «زنان به عفت و خویشتنداری شناخته می‌شوند. حجاب بین زن محجبه و طمع اهل فسق و شهوت مانع می‌شود و بدین ترتیب با متلک و نگاه‌های گناه‌آمیز آزار نمی‌بینند» (مغنیه، ۱۳۸۳، ج ۶، صص ۲۴۰-۲۳۹).

از تفسیر آیه فهمیده می‌شود حجاب باید در جامعه به گونه‌ای نهادینه شود که زنان مسلمان آنچنان در میان مردم رفت‌وآمد کنند که علائم حجاب در وقار و سنگینی و پاکی آنان هویدا باشد و با این صفت شناخته شوند و در این هنگام بیماردلان که دنبال شکار می‌گردند، از آنان مأیوس می‌شوند و فکر بهره‌کشی از آنان در خیالشان خطور نکند. حجاب در فرهنگ اسلامی به لحاظ این است که به خطر شکسته‌شدن حصار شخصیت زنان توجه بسیار دارد؛ درعین حال زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند. با رعایت حجاب در جامعه، رفتارهای افراد کنترل می‌شود و این، موجب تنظیم نظام اجتماعی است. استاد مطهری درباره حجاب اسلامی می‌نویسد: حجاب از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد و از نظر وضع زن در برابر مرد سبب می‌گردد ارزش زن در برابر مرد بالا رود، منزلت زن را در اسلام گرامی داشته و از زن گوهر ناب ساخته است که از فساد محفوظ بماند (مطهری، ۱۳۶۸، صص ۸۴-۹۵).

۷. حجاب به مثابه هنجار فرهنگی در جامعه پذیری

هنجارها نیز از عناصر فرهنگ هستند و به معنای «اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند. هنجارها نشان‌دهنده بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند» (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۵۶). جایگاه هنجار، در جامعه‌پذیری، این گونه است که افراد از طریق فراگیری هنجار، یاد می‌گیرند چگونه نیازهای بنیادی و شیوه‌ای زندگی در جامعه را برآورده سازند قواعد مشترک را می‌آموزند که رفتار مناسب را در وضعیت‌های معین داشته باشند. رعایت حجاب قواعد رفتاری، جزء از هنجارهای جامعه اسلامی است.

حجاب به مثابه هنجار فرهنگی در قرآن بیان شده است: «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرم] فرو گیرند، و دامان خود را [از بی‌عفتی] حفظ کنند... و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را [از نگاه هوس‌آلود] فرو گیرند و دامان خویش را از بی‌عفتی حفظ کنند و زینت خود را _ جز آن مقدار از آنان که نمایان است _ آشکار نمایند، و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود] و زینت خود را آشکار نسازند ...» (نور، ۳۰-۳۱). یکی از هنجارها، قواعد رفتاری است. این آیه قواعد رفتاری حجاب را بیان می‌کند. جامعه‌پذیری حجاب به مثابه هنجار در رعایت کردن قواعد در رفتار افراد است. برای توضیح بیشتر باید گفت از دیدگاه سید قطب تفسیر آیات چنین است که اسلام قوانین مناسب برای ساخت جامعه‌ای سالم دارد. سید قطب با استناد به مشاهداتش ادعا می‌کند جوامع غربی علی‌رغم آزاد گذاشتن پوشش نتوانسته‌اند تمایلات انسانی را مهار و جوامعی منظم بر اساس فطرت انسانی ایجاد کنند. زن و مرد علاقه‌ای فطری به هم دارند و هریک از این دو جنس علایق مخصوص دارند؛ برای نمونه زن طبیعتاً (فطرتاً) به زینت تمایل دارد. اسلام هیچ‌یک از این نیازها را نفی نمی‌کند و فقط آنان را مدیریت می‌کند. در اینجا سید قطب به مفهوم مهم «جاهلیت جدید» اشاره می‌کند. پوشیده‌نبودن گریبان زنان مدرن، مشابه برهنگی گریبان زنان جاهلی است. همچنین او از منع پای کوبیدن الهام می‌گیرد و به زنان توصیه می‌کند در خصوص زینت‌هایی که با خیال انسان سر و کار

دارد، مانند صدای زینت و عطر مراقبت کنند (سید قطب، ۱۴۱۹ق، ج ۴، صص ۲۵۱-۲۵۴).

جامعه‌پذیری حجاب به‌مثابه هنجار به مفهوم قواعد رفتاری است که حضور زنان در جامعه را قانونمند می‌کند. مطابق با این تحلیل، در تفسیری دیگر از آیه ۳۱ سوره نور چنین آمده است: شریعت اسلامی حرج ایجاد نمی‌کند و امر کردن زن به پنهان کردن کل بدنش نه برای روان قابل تحمل بود و نه برای زندگی پذیرفتنی؛ از این رو او با بیان «إلا ما ظهر منها؛ آن چیزی که چاره‌ای از نشان‌دادنش نیست» در آن حکم استثنا ایجاد کرد تا زن زندگی کند و مشارکت داشته باشد و با چشمانش ببیند و با دستانش کار کند و با پاهایش بدود (خطیب، ۱۹۶۹م، ج ۱۸، ص ۱۲۶۴). از تفسیر آیه فهمیده می‌شود که این آیه، حجاب در هنجار را بیان می‌کند و می‌توان حجاب را نوعی قواعد رفتار در نظام اجتماعی نامید که با جامعه‌پذیری، نهادینه شود و از افراد انتظار می‌رود این هنجار را در جامعه رعایت کنند.

۸. عوامل جامعه‌پذیری

عوامل جامعه‌پذیری، وسیله انتقال الگوهای اجتماعی به اعضا هستند و آنان را مطابق آن الگوها می‌پرورانند. در این بین، برخی از عوامل بیش از عوامل دیگر بر فرایند جامعه‌پذیری مؤثرند و اعضا را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهند. آثار جامعه‌پذیری آن است که استعدادها و اموری را که فرد به آنها نیازمند است، فرامی‌گیرد و نظام ارزش‌ها، آرمان‌ها و انتظارات متقابل جامعه را به فرد منتقل می‌کند و چگونگی ایفای نقش را به فرد آموزش می‌دهد. این فرایند که دارای مراحل گوناگونی است از تولد تا آخر عمر را در بر می‌گیرد. در این فرایند عوامل متعددی ایفای نقش می‌کنند و تلاش بر آن است که در این بخش به مهم‌ترین آنها اشاره شود.

۸-۱. خانواده

در میان عوامل جامعه‌پذیری، خانواده همواره اهمیت ویژه‌ای داشته است. انسان در خانواده به دنیا می‌آید و همواره از حمایت‌های آن بهره‌مند می‌شود. در سال‌های

کودکی، بیشترین ارتباط و تعاملش با اعضای خانواده است که با عواطف و احساسات عمیق نیز همراه است. نخستین چیزهایی که فرد یاد می‌گیرد، از خانواده است. به همین دلیل است که بنیادهای اصلی جامعه‌پذیری، در خانواده گذاشته می‌شود. در خانواده بزرگترها به‌ویژه پدر و مادر، کودکان خود را جامعه‌پذیر می‌کنند. به بیان بروس کوین «خانواده مسئولیت جامعه‌پذیری کودکان را در سال‌های اولیه و حیاتی زندگی به عهده دارد. ارزش‌هایی که فرد می‌پذیرد و نقش‌های گوناگونی که از او انتظار می‌رود انجامشان دهد، نخست در چارچوب محیط خانواده آموخته می‌شود» (کوین، ۱۳۳۳، ص ۸۰). خانواده در ایجاد شرایط سازنده‌ای که ارزش‌ها و گرایش‌های شخص را شکل می‌دهد، مؤثر است. الگوهای کنش متقابل اجتماعی درون خانواده ممکن است مدل‌های ناخواسته را برای شکل‌گیری کنش و شخصیت بعدی کودکان، یعنی زمانی که به بلوغ و دوره جوانی می‌رسند، فراهم سازد و در مراحل رشد، نسل‌ها را به هم پیوند زند (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۸۵).

خانواده در نظام اجتماعی قرآن اهمیت ویژه دارد. چگونگی پذیرش فرهنگ در جامعه در مرحله اولیه با خانواده است که چگونه با هم ارتباط دارند. هرچه این ارتباط از استحکام بیشتر برخوردار باشد، زمینه پذیرش بیشتر است. ارتباط افراد در خانواده مد نظر قرآن، ارتباط ویژه با مودت و رحمت است (روم، ۲۱)؛ از این جهت جامعه‌پذیری حجاب در نظام اجتماعی قرآن با خانواده با دوستی و مهربانی انجام می‌پذیرد. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۱ روم می‌فرماید: یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت در خانواده، تربیت فرزندان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۵۰). عبارت دیگر تربیت، جامعه‌پذیری است؛ بنابراین خانواده عامل مهم در جامعه‌پذیری فرزندان است. موضوع جامعه‌پذیری حجاب، در مرحله اول، در خانواده انجام می‌گیرد. در خانواده‌ای که دوستی خاص و مهربانی در روابط میان اعضای خانواده برقرار است، جامعه‌پذیری حجاب عملیاتی می‌شود و فرزندان حجاب را در سطح باور، ارزش و هنجار فرهنگی‌شان می‌پذیرند و در کنش اجتماعی‌شان رعایت می‌کنند. برای روشن شدن جامعه‌پذیری در خانواده در ادامه به آیاتی از قرآن اشاره می‌شود.

آیاتی از قرآن کریم درباره رابطه میان افراد محرم و نامحرم در خانواده و حجاب میان آنان سخن می‌گویند: به زنان باایمان بگو، چشم‌های خود را از آنچه حرام است، فروبندند و شرمگاه خود را حفظ کنند و زینت خود را آشکار نکنند، مگر آنچه پیدا است. روسری‌های خود را بر روی گریبان‌هایشان بیندازند و زینت خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان، یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند. زنان نباید پاهایشان را هنگام راه رفتن آن‌گونه به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌هایشان پنهان می‌دارند، از سوی نامحرم‌ان شناخته شود (نور، ۳۰-۳۱).

در خانواده مد نظر قرآن، کنش افراد با یکدیگر با معیار محرم و نامحرم مشخص شده است و جامعه‌پذیری حجاب در خانواده با شناخت محرم و نامحرم است. افراد در محیط خانواده می‌آموزند داشتن حجاب در برابر چه افرادی لازم است. تشکیل خانواده در نظام اجتماعی قرآن، براساس آرامش با مودت به مفهوم علاقه‌مندی ویژه است. یکی از وظایف خانواده جامعه‌پذیر کردن فرزندان است. خانواده اولین نهاد اجتماعی فرزندان است و در شکل‌گیری و تکوین عادات او تأثیر بسیار دارد. فرزندان از طریق الگوسازی، تشویق‌های کلامی و غیر کلامی، خود را با نقش‌های ایدئال خانواده هماهنگ می‌کنند. اگر در خانواده‌ای والدین، مخصوصاً مادر، مقید به باورهای اسلامی باشند و به حجاب به‌عنوان یکی از ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی ارج نهند و فرزندان خویش را به رعایت حجاب اسلامی تذکر دهند، پایه‌های مستحکمی برای جامعه‌پذیری حجاب دختران، پی‌ریزی می‌کنند. ارتباط الگوبرداری با محبوبیت در خانواده به این معنا است که محبت، بایستی بین والدین و فرزندان برقرار باشد تا اینکه فرزندان از پدر و مادر تقلید کنند و خانواده فرزندان‌شان را به گونه‌ای تربیت کنند که درک کنند با حجاب از آزار و اذیت محفوظ می‌مانند.

۸-۲. گروه دوستان

گروه دوستان از عوامل جامعه‌پذیری است. گروه دوستان متشکل از افرادی است که درون یک مجموعه سنی خاص قرار می‌گیرند و معمولاً در سراسر زندگی‌شان ارتباطات نزدیک و دوستانه برقرار می‌کنند. گروه دوستان بیشترین نفوذش را در دوره نوجوانی اعمال می‌کند. در این دوره، مورد پسند دیگران قرار گرفتن، معرّف اصلی نوجوانان می‌شود و پذیرش و نمایش ارزش‌های گروه دوستان در پذیرش ارزش‌های اجتماعی از سوی فرد، نقشی تعیین‌کننده دارد. عضویت در گروه دوستان، کودکان را برای نخستین بار در زمینه‌ای قرار می‌دهد که بیشترین قسمت جامعه‌پذیری بدون هیچ‌گونه طرح‌سنجیده‌ای در آن اتفاق می‌افتد (کوین، ۱۳۸۳، ص ۸۰). گروه‌های دوستان حس ارزشمندبودن را در فرد ایجاد می‌کنند. از آنجا که افراد مایلند دیگران آنان را دوست داشته باشند و به آنان احترام بگذارند، افراد در مباحث حجاب غالباً ارزش‌ها و رفتار خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند تا با انتظارات کسانی که با آنان تعامل دارند، همخوانی داشته باشد. این امر به‌طور خاص در دوران نوجوانی و جوانی حائز اهمیت است که تماس با دوستان، نوعی احساس امنیت را در جوانان ایجاد می‌کند و حتی ممکن است رفتار وی را بیش از هر عامل دیگری شکل دهد. در مواردی که جامعه‌ای شاهد شکاف و تضاد بین نسل‌ها باشد یا نسل‌های مختلف تجربیات متفاوتی داشته باشند، گروه دوستان اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد.

قرآن کریم تأثیرگذاری دوستان شایسته و خوب را در هدایت انسان به سوی تکامل و سعادت و نیز نقش دوستان ناشایست را در کشاندن انسان‌ها به انحراف و ناهنجاری‌های اخلاقی توجه داده است. بی‌دقتی در دوستیابی، حسرت در قیامت را در پی خواهد داشت. در قرآن کریم پشیمانی چنین کسانی این‌گونه ترسیم شده است: «و روزی است که ستمکار دست‌های خود را می‌گزد و می‌گوید ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتیم. ای وای، کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودیم. او بود که مرا به گمراهی کشانید، پس از آنکه قرآن به من رسیده بود» (فرقان، ۲۷-۲۸). از این آیات فهمیده می‌شود گروه دوستان بر جامعه‌پذیری افراد تأثیرگذار است. نهادینه‌شدن حجاب در

افراد از گروه دوستان تأثیر می‌پذیرد. با حجاب‌بودن یا بدحجابی در گروه دوستان، مورد توجه جامعه اسلامی است. در این راستا باید دوستان خوب یا بد جوانان رصد شوند. باید حجاب به‌عنوان باور، ارزش و هنجار مهم در میان جوانان شناخته شود که همگان رعایت حجاب را لازم بدانند و اگر فرد بدحجابی در میانشان مشاهده شد، به‌عنوان افراد ناهنجار طرد اجتماعی شوند. اگر دوستی با فرد بدحجاب موجب شود او هدایت شود، این دوستی زمینه مناسبی برای همیاری اجتماعی و کمک به افراد است که آنان شناخت درست از حجاب داشته باشند و به تدریج آموزه‌های حجاب را درک و در عمل نهادینه کنند.

۸-۳. رسانه‌های ارتباط جمعی

رسانه یکی از عوامل جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی است. رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، فیلم و کتاب نقش بسیار مهمی در القای باورها و ارزش‌های جامعه از جمله حجاب به افراد دارند. نگرش‌ها و الگوهای رفتاری ما از اطلاعات و شیوه‌ارائه این رسانه‌ها تأثیر می‌پذیرند. به تعبیر گیدنز، رسانه‌های همگانی در نگرش‌ها و بینش‌های مردم تأثیر گذارند (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶). وسایل ارتباط جمعی دارای کارکردهای گوناگونی هستند؛ از جمله آموزش، اطلاع‌رسانی و انسجام‌دهی، فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی و آموزشی که در نهادینه کردن حجاب مؤثرند. وسایل ارتباط جمعی به‌لحاظ ویژگی منحصر به فردی که دارند، چنانچه به‌درستی به کار گرفته شوند، می‌توانند همانند مدرسه و دانشگاه در تربیت و آموزش حجاب در افراد جامعه به‌خوبی عمل کنند. رسانه‌ها حتی از جهاتی نسبت به مدرسه و دانشگاه از امتیازاتی برخوردارند. مدرسه و دانشگاه از آغاز تا پایان محدودیت زمانی دارند؛ یعنی فقط سال‌هایی چند از حیات کودک یا جوان را به خود مشغول می‌کنند؛ اما وسایل ارتباط جمعی بی‌هیچ محدودیت در تمامی مراحل زندگی با انسان‌هایند و از آغاز تا پایان عمر را می‌پوشانند. رسانه‌های ارتباط جمعی چه مکتوب (روزنامه، مجلات، کتاب و...) و چه غیرمکتوب (رادیو، تلویزیون، ماهواره و...) بزرگ‌ترین سهم را در راه انتقال میراث فرهنگی و فکری

بشریت دارند و تعالی فرهنگ انسانی را موجب می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۸۶، ص ۸۶)؛ بنابراین رسانه‌ها می‌توانند از عوامل جامعه‌پذیری در انتقال فرهنگ حجاب باشند. در این راستا می‌توانند فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تفریحی داشته باشند، با این توضیح که رسانه‌های گروهی زمینه‌های گوناگون برای افراد جامعه فراهم می‌آورند.

در قرآن کریم واژه‌ای به نام رسانه‌های جمعی وجود ندارد؛ اما در فرهنگ قرآنی، تبلیغ اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر، رسانه همگانی است که می‌توان حجاب‌داشتن را به‌عنوان معروف و حجاب‌نداشتن و بدحجابی را به‌عنوان منکر، در نظر گرفت و در جهت جامعه‌پذیر کردن آن از رسانه‌های عمومی استفاده کرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ [چه اینکه] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران، ۱۱۰). این آیه از جامعه اسلامی به بهترین امت یاد می‌کند که با نشانه امر به معروف و نهی از منکر شناخته شده است؛ یعنی باید همواره امر به معروف (حجاب‌داشتن) و نهی از منکر (کنترل بدحجابی) در جامعه جریان داشته باشد. اگرچه آیه با صیغه ماضی «کنتم خیر امة...» از جامعه اسلامی یاد می‌کند، مفهوم آن عام است و می‌گوید جامعه اسلامی همواره چنین ویژگی‌ای دارد، با این ملاحظه که امر به معروف و نهی از منکر به‌مثابه نظارت اجتماعی در آن جریان دارد. ابن‌قتیبه دینوری این آیه را چنین تفسیر می‌کند: «آیه شریفه از رخدادی در گذشته تعبیر می‌نماید که در قیاس با ملل پیشین این امتیاز را برای مؤمنان برشمرده که چون امر به معروف و ناهی از منکر بوده‌اند، برجسته و متمایز شده‌اند؛ پس اگر از این خصلت دوری ورزند، به‌طورطبیعی از مزایای آن نیز محروم می‌شوند. به‌این ترتیب فعل دلالت بر ماضی دارد؛ اما از حیث معنا دلالت عام دارد و از اعتبار این حکم نه تنها در گذشته، بلکه در آینده خبر می‌دهد» (ابن‌قتیبه، ۱۳۸۴، صص ۴۰۶ و ۴۲۲). این تفسیر، ویژگی جامعه مؤمنان را در مقایسه با جامعه‌های دیگر بیان کرده که با امر به معروف و نهی از منکر، از بهترین امت شده‌اند. مفهوم آیه با دلالت عام، اثر اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کند که جامعه مؤمنان با داشتن چنین ویژگی از بهترین جامعه‌ها خواهند بود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مردان و زنان باایمان، ولی (یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند» (توبه، ۷۱). محتوای آیه حکایت از آن دارد که «کل جامعه» مؤمنان مسئولیت انجام جامعه‌پذیری حجاب را با امر به معروف و نهی از منکر بر عهده دارد، با این توضیح که در میان اعضای جامعه دوستی خاص حاکم است، به گونه‌ای که همگان احساس هویت واحد دارند و در برابر یکدیگر مسئولیت‌پذیری دارند، به مثابه اینکه سرپرست هم هستند. آیت‌الله مکارم شیرازی این آیه را چنین تفسیر می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر، هویت جمعی مسلمانان را می‌رساند. ایشان این آیه را با آنچه درباره منافقان است، مقایسه می‌کند که در آنجا برای منافقان واژه «اولیاء» به کار نرفته و صرفاً خداوند فرموده است: «بعضهم من بعض». معنای این تعبیر آن است که منافقان در ظاهر یکسان و جمعی واحد به نظر می‌رسند؛ ولی در میان آنان وحدت هویتی (برگرفته از واژه اولیاء) وجود ندارد. نتیجه آنکه ذکر این نکته که مؤمنان ولی هستند، از حیث اجتماعی دلالت بر نوعی وحدت و هویت مشترک جمعی دارد که در انجام وظایفی چون امر به معروف و نهی از منکر این هویت جمعی تجلی پیدا می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۳۶-۳۸). با توجه به این تفسیر و در نظر داشت امر به معروف و نهی از منکر به مثابه جامعه‌پذیری حجاب به‌عنوان رسانه همگانی، تحلیل آیه این است که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌پذیری حجاب، مسئولیت همگانی است. تبلیغ اسلامی که عملیاتی کردن امر به معروف و نهی از منکر را در نظام اجتماعی بر عهده دارد، می‌تواند در بخش‌های آموزشی، اطلاع‌رسانی، انسجام‌بخشی و فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی از عوامل رسانه در جامعه‌پذیری حجاب استفاده کند. تبلیغ اسلامی که علمای دینی انجام می‌دهند، می‌تواند با ایجاد روشنگری و هدایت جامعه، از طریق آگاهی‌بخشی، تشویق به خوبی‌های حجاب و ایجاد نفرت از انحرافات اجتماعی بدحجابی، فرهنگ قرآنی حجاب را نهادینه کند. امر به معروف و نهی از منکر بزرگ‌ترین تأثیر را در هدایت معنوی جامعه در حجاب داشته و دارد. یکی از وظایف مبلغان اسلامی این است که

فرهنگ‌سازی حجاب کنند تا در پرتو آن رشد و شکوفایی استعدادها و رسیدن به کمال انسانی میسر گردد.

۴-۸. آموزش و پرورش

از دیگر عوامل جامعه‌پذیری، آموزش و پرورش است. جامعه‌پذیری با ارائه مصادیق حجاب در الگوها، ارزش‌ها و هنجارها، آن را در کنش دانش‌آموزان نهادینه کند. دانش‌آموزان با جامعه‌پذیری می‌آموزند در شرایط معین چگونه باید حجاب داشته باشند. در تحلیل رابرت سون، مدرسه عاملی است که جامعه به‌طور رسمی آن را به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه مهارت‌ها و ارزش‌های خاصی موظف کرده است (رابرت سون، ۱۳۷۷، ص ۱۲۸). نظام آموزشی با انتقال ارزش‌ها و الگوها، قوانین و مقررات به‌صورت یکسان در همه سطوح جامعه و به‌وسیله نهاد مدرسه و دانشگاه موجبات همگونی و انسجام اجتماعی را فراهم می‌آورد. نظام آموزشی با تدریس ارزش‌های مشترک و مفاهیم اجتماعی یکسان بین گروه‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام مختلف جامعه عامل مهمی در جامعه‌پذیری افراد به‌شمار می‌رود (فومنی، ۱۳۸۲، ص ۶۷). فرهنگ‌سازی حجاب از راه آموزش شهروندان، سودمندتر است. از آنجاکه مسئله فرهنگ حجاب از مقوله‌های دینی است، با نهادینه‌شدن، دانش‌آموزان حجاب را با انتخاب خودشان می‌پذیرند. آموزش و پرورش، برای جامعه‌پذیری حجاب در نظام اجتماعی، باید مراحل تدریجی را مد نظر داشته باشد. خداوند در سوره احزاب، آیه ۵۹ در زمینه حجاب، ابتدا برای زنان پیامبر ۹ سپس برای زنان مسلمان فرهنگ‌سازی کرده است. آموزش قرآنی حجاب از خانواده پیامبر ۹ آغاز و به زنان جامعه اسلامی گسترش یافته است. تبیین فلسفه حجاب (محفوظماندن شخصیت زن و دوری از آزار و اذیت) و تشویق به حجاب با موعظه و بیان روشن که حجاب مصونیت برای زنان است نه محدودیت، جامعه‌پذیری حجاب را آسان‌تر می‌سازد. آموزش و پرورش با معرفی الگوی اهل بیت پیامبر ۹؛ باید حجاب را در باورها، ارزش‌ها و هنجارها به‌گونه‌ای در جامعه نهادینه کند که افراد با

الگوگیری، حجاب را برای حفظ کرامت و شخصیت خود برگزینند. روشن است اندیشه افراد در انتخاب لباس بسیار مؤثر است.

نتیجه گیری

شرایط عصری ایجاب می کند درباره «حجاب» بحث علمی انجام گیرد. در این راستا جامعه پذیری حجاب در نظام اجتماعی قرآن، با روش علمی، به شیوه مفهومی، در مدل تحلیل، در عناصر جامعه پذیری (روش، محتوا و عوامل)، به شاخص های آنها با محوریت فرهنگ قرآنی در قالب روش تأثیر پذیری از گروه مرجع با الگوگیری از اهل بیت پیامبر ۹ است. فرهنگ قرآنی با محوریت باور، ارزش و هنجار، محتوای جامعه پذیری حجاب است. باور فرهنگی به حجاب به معنای ایمان اعتقادی به آن است. حجاب به عنوان ارزش به این معنا است که با توجه به و حیانت دستوری حجاب در قرآن، حجاب در جامعه اسلامی اهمیت ویژه دارد و از افراد انتظار می رود آن را مهم بدانند. هنجار فرهنگی حجاب به این معنا است که حجاب قواعد رفتاری برای افراد است. از عوامل جامعه پذیری حجاب، خانواده بامودت و رحمت، حجاب را دوست داشتنی می سازد و با معرفی محرم و نامحرم، در فرزندان شناخت ایجاد می کند که حجاب را در برابر چه افرادی داشته باشند. گروه دوستان، با دوستانی مناسب، حجاب را در جوانان جهت می بخشد. مبلغان اسلامی با استفاده از رسانه های ارتباط جمعی با امر به معروف (داشتن حجاب) و نهی از منکر (بدحجابی) حجاب را تبلیغ می کنند و آموزش و پرورش با تعلیم تدریجی و تبیین فلسفه حجاب و معرفی مصادیق حجاب به عنوان الگو، در نهادینه کردن حجاب تأثیر گذار است. هر کدام از این عوامل در جامعه پذیری حجاب مد نظر است و تأثیر آنها در جامعه پذیری با توجه به آیات قرآن قابل تحلیل است.

کتابنامه

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
۱. ابن قتیبه الدینوری، عبدالله بن مسلم. (۱۳۸۴ش). تأویل مشکل القرآن (ترجمه: محمدحسین بحری مینا باج). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 ۲. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر لطباعه و النشر و التوزیع.
 ۳. احصائی، ابن ابی جمهور. (۱۴۰۳ق). عوالی اللثالی. چاپ اول. قم: مطبعه سیدالشهداء.
 ۴. اسمیت، فیلیپ دانیل. (۱۳۸۳). درآمدی بر نظریه فرهنگی (ترجمه: حسن پویان). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
 ۵. آگبرن، ویلیام؛ نیم کوف، مایر. (۱۳۵۷). زمینه جامعه‌شناسی (ترجمه: امیرحسین آریانپور). تهران: انتشارات امیرکبیر.
 ۶. باهنر، محمدجواد. (۱۳۶۱). جهان‌بینی اسلامی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
 ۷. برگر، پیترو؛ توماس، لوکمان. (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت (ترجمه: عزت‌الله فولادوند). تهران: انتشارات علمی- فرهنگی.
 ۸. خطیب، عبد الکریم. (۱۹۶۹م). التفسیر القرآنی للقرآن. [بی‌جا]: بیروت، دارالفکر العربی.
 ۹. رابرت سون، یان. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه (ترجمه: حسین بهروان). تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
 ۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن (تحقیق: صفوان عدنان داودی). دمشق، بیروت: دارالقلم، دارالشامیه.
 ۱۱. روشه، گی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی پارسونز (ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر). تهران: تبیان.
 ۱۲. ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر (ترجمه: محسن ثلاثی). تهران: علمی.
 ۱۳. سید قطب. (۱۴۱۹ق). فی ظلال القرآن. بیروت- قاهره: دارالشروق.

۱۴. صدر، محمدباقر. (۱۳۸۱). تفسیر موضوعی سنت‌های تاریخ در قرآن (ترجمه: جمال موسوی اصفهانی). تهران: انتشارات تفاهم.
۱۵. صدوق، محمد. (۱۳۷۸ق). عیون اخبارالرضا. تهران: انتشارات جوان.
۱۶. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله؛ هاشمی، سیدضیا. (۱۳۸۱). گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر. مجله نامه علوم اجتماعی. (۲۰)، صص ۱۴۹-۱۶۷.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (ترجمه: محمدباقر موسوی). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۳ق). تفسیر المیزان. قم: اسماعیلیان.
۱۹. فومنی، گلشن. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: نشر دوران.
۲۰. کوین، بروس. (۱۳۷۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی (ترجمه: محسن ثلاثی). تهران: نشر توتیا.
۲۱. گولد، جولوس. (۱۳۸۴ش). فرهنگ علوم اجتماعی (ترجمه: گروهی). تهران: انتشارات مازیار.
۲۲. گیلدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی (ترجمه: منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
۲۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۲۵. مغنیه، محمدجواد. (۱۳۸۳). التفسیر الکاشف. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مندراس، هانری. (۱۳۸۴). مبانی جامعه‌شناسی (ترجمه: باقر پرهام). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۸. یونسکو. (۱۳۷۹). راهبردهای عملی توسعه فرهنگی: (مجموعه پنج دفتر درباره توسعه فرهنگی) (ترجمه: محمد فاضلی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت پژوهشی و آموزشی. مرکز پژوهش‌های بنیادی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

References

- * *The Holy Quran*.
- * *Nahj al-Balaghah*.
1. Agburn, W., & Nimkov, M. (1978). *Sociological field* (Arianpour, A. H. Trans.). Tehran: Amirkabir. [In Persian]
 2. Bahonar, M. J. (1982). *Islamic worldview*. Tehran: Islamic Culture Publications. [In Persian]
 3. Berger, P., & Lokman, L. (2008). *Social construction of reality* (Fooladvand, E. Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
 4. Ehsaei, I. (1983). *Awali al-La'ali* (1st ed.). Qom: Seyed Al-Shohada Press. [In Arabic]
 5. Foumani, G. (2003). *Sociology of Education*. Tehran: Doran Publications. [In Persian]
 6. Giddens, A. (2006). *Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
 7. Gold, J. (2005). *Dictionary of Social Sciences* (Group Trans.). Tehran: Maziar Publications. [In Persian]
 8. Ibn Manzur, A. (1994). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr le Taba'ah va Al-Nashr va Al-Tawzi'. [In Arabic]
 9. Ibn Qutaybah al-Dinvari, A. (2005). *Ta'wil Moshkel al-Qur'an* (Bahri Bina Baj, M. H. Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]
 10. Kevin, B. (1994). *An Introduction to Sociology* (M. Thalasi, Trans.). Tehran: Totia Publications. [In Persian]
 11. Khatib, A. (1969). *Al-Tafsir al-Qur'ani le al-Qur'an*. Beirut, Dar al-Fikr al-Arabi.
 12. Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
 13. Mendras, H. (2005). *Fundamentals of Sociology* (B, Parham, Trans.). Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
 14. Motahhari, M. (1989). *The issue of hijab*. Tehran: Sadra. [In Persian]
 15. Motahhari, M. (2002). *Collection of works*. Tehran: Sadra. [In Persian]

16. Mughniyeh, M. J. (2004). *Al-Tafsir Al-Kashif*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Persian]
17. Ragheb Isfahani, H. (1992). *Mofradat Alfaz al-Qur'an*. Damascus, Beirut: Dar al-Qalam, Dar al-Shamiya. [In Arabic]
18. Ritzer, George. (1995). *Contemporary Sociological Theory* (M. Thalasi, Trans.). Tehran: Scientific. [In Persian]
19. Robertson, Jan. (1998). *An Introduction to Society* (H. Behravan, Trans.). Tehran: Astan Quds Razavi. [In Persian]
20. Roche, G. (1997). *Parsons Sociology* (A. Nik Gohar, Trans.). Tehran: Tebyan. [In Persian]
21. Sadr, M. B. (2002). *Thematic interpretation of the traditions of history in the Qur'an* (J. Mousavi Isfahani, Trans.). Tehran: Tafahom Publications. [In Persian]
22. Saduq, M. (1999). *Ayoun Akhbar al-Reza*. Tehran: Javan Publications. [In Persian]
23. Sediq Sarvestani, R., & Hashemi, Z. (2002). Reference groups in sociology and social psychology with an emphasis on Merten and Festinger's theories. *Journal of Social Sciences*, (20), pp. 149-167. [In Persian]
24. Seyed Qutb. (1999). *Fi Zalal al-Qur'an*. Beirut - Cairo: Dar Al-Shorouq. [In Arabic]
25. Smith, P. D. (2004). *An Introduction to Cultural Theory* (Pouyan, H. Trans.). Tehran: Office of Cultural Research. International Center for the Dialogue of Civilizations. [In Persian]
26. Tabatabai, M. H. (1995). *Tafsir al-Mizan* (M. B. Mousavi, Trans.). Qom: Islamic Publications Office Affiliated to the Society of Seminary Teachers. [In Persian]
27. Tabatabai, M. H. (1973). *Tafsir al-Mizan*. Qom: Esmailian. [In Arabic]
28. UNESCO. (2000). *Practical Strategies for Cultural Development: (Collection of Five Books on Cultural Development)* (M. Fazeli, Trans.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. Vice Chancellor for Research and Education. Basic Research Center, Tebyan Publishing Cultural Institute. [In Persian]